

## شگردهای طنزپردازی در «یادداشت‌های شهر شلوغ و اندیشه‌ها» از فریدون تنکابنی

حسن شعبانی آزاد\*

### چکیده

طنزپردازی در حکایت‌های فارسی سابقه‌ای دیرینه دارد، اما سابقه آن در داستان‌های کوتاه به بعد از مشروطه برمی‌گردد. فریدون تنکابنی یکی از نویسندگان طنزپرداز معاصر است که با نیشتر طنز درصدد اصلاح معایب و رفع کمبودهای دوره معاصر برآمده است. یکی از مشهورترین آثار طنز وی مجموعه داستانی «یادداشت‌های شهر شلوغ و اندیشه‌ها» است. در این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی به بررسی شگردهای طنزپردازی در مجموعه داستانی مذکور پرداخته می‌شود. تنکابنی در این اثر از شگردهایی چون: بزرگ‌نمایی، کوچک‌نمایی، تعلیل طنزآمیز، طنز موقعیت، غلط‌های مشخص املائی، القاب طنزآمیز، تشبیه، تجاهل‌العارف، طنز لغت‌نامه‌ای، نقیضه، تضاد طنزآمیز، سادگی و عدم‌آگاهی برای طنزآفرینی استفاده کرده است.

**واژگان کلیدی:** طنز، شگردهای طنزپردازی، فریدون تنکابنی، یادداشت‌های شهر شلوغ و اندیشه‌ها.

**1) مقدمه**

زبان طنز، زبان انتقاد غیرمستقیم همه جوامع بشری است و یکی از انواع ادبی است که با رویکردی انتقادی و معترضانه به بررسی و تحلیل مسائل اجتماعی، سیاسی و فرهنگی می-پردازد. طنز در لغت به معنی طعنه زدن، سرزنش کردن، مسخره کردن و افسون کردن است که «در کنار معنای ظاهری، هدف آن دفاع از اغراض خصوصی و منکوب کردن شخصیت‌های مورد خشم شاعر است» (کاسب، 1376: 44). اما در اصطلاح ادبی «طنز به نوع خاصی از آثار منظوم یا منثور ادبی گفته می‌شود که اشتباهات یا جنبه‌های نامطلوب رفتار بشری، فسادهای اجتماعی، سیاسی و یا حتی تفکرات فلسفی را به شیوه‌های خنده‌دار به چالش می‌کشد» (اصلانی، 1385: 140). از نظر شفیع‌ی کدکنی، «طنز عبارت است از تصویر اجتماع نقیضین و ضدین» (شفیع‌ی کدکنی، 1366: 302). کیومرث صابری، طنزپرداز معاصر، در کتاب «گزیده دو کلمه حرف حساب» در بیان تفاوت هجو، طنز و هزل می‌گوید «طنز جراحی است و هجو سلاخی. هزل و شوخی و مطایبه، بدون این که قصد ارزش‌گذاری داشته باشیم یا بخواهیم آن را نفی کنیم زنگ تفریح زندگی است. طنز سیلی محکمی است که به صورت یک مسموم می‌زنند تا خوابش نبرد. هدف کمک به ادامه حیات اوست» (صابری، 1370: 10).

با بررسی تاریخچه طنزنویسی در ایران مشخص می‌شود که تا حدود نیم قرن پیش شعر عمده‌ترین وسیله طنزنویسی بوده است؛ اما بعد از رواج یافتن نمایشنامه‌نویسی، رمان و داستان کوتاه، این انواع ادبی و همچنین استفاده از داستان‌های حیوانات توجه طنزنویسان را به خود جلب کرد، زیرا هم انعطاف بیشتری از جهت شخصیت‌آفرینی وجود داشت و هم مشکلات نوشتن در این انواع ادبی در بین نبود. به گفته جوادی، «آشنایی با ادبیات اروپایی و ترجمه برخی از آثار اروپایی راه را برای پیدایش داستان‌های کوتاه، رمان و نمایشنامه هموار کرد. از نوشته‌ها و رمان‌های اولیه فارسی که تأثیر زیادی بر روی نسل‌های بعدی داشتند، سیاحت-نامه ابراهیم‌بیگ نوشته زین‌العابدین مراغه‌ای و ترجمه سرگذشت حاجی‌بابای اصفهانی نوشته جیمز موریه انگلیسی را باید نام برد. این رمان‌ها به قصد طنز و انتقاد نوشته شدند» (جوادی، 1384: 287).

وظیفه انتقادی طنز فقط بغض و کینه‌جویی و تمسخر نیست، بلکه بر زشتی‌ها و فساد عمومی نیز می‌تازد و مخاطبانش عموم انسان‌ها هستند؛ به همین دلیل است که شخص خاصی از آن دل‌آزرده نمی‌شود. پس طنز حقیقی علاوه بر عملکرد انتقادی کارکردی درمانی نیز دارد. در

این زمینه فریدون تنکابنی از جمله طنزپردازان موفقی است که در دهه‌های اخیر بازتابی از مسائل اجتماعی، سیاسی و ... را در آثار خود نشان داده و البته با دیدگاهی نقّادانه به آن‌ها نگریسته است. آثار متنوع او زمینه مناسبی برای بررسی شگردها و شیوه‌های طنزپردازی است؛ از این رو در این مقاله به بررسی شگردهای این مجموعه داستانی شامل داستان‌های «از پنجره بالا»، «حوض و قورباغه»، «داماد و راننده»، «فوزیه دو زار»، «در اتوبوس»، «بچه‌ها»، «ملل راقیه و ملل غیرراقیه»، «دشنام‌نامه»، «تیمسار و زنش»، «غار آبی»، «ویزیتور»، «شیشه تاکسی»، «مرسدس بنز آقای مفیدی» و «اندیشه‌ها» است.

با جستجو در منابع کتابخانه‌ای و سایت‌های پژوهشی بدین نتیجه رسیدیم که تاکنون پژوهشی به بررسی شگردهای طنزآفرینی فریدون تنکابنی در مجموعه داستانی «یادداشت‌های شهر شلوغ و اندیشه‌ها» نپرداخته است. ولی پژوهش‌هایی در زمینه شگردهای طنزپردازی در آثار نویسندگان دیگر وجود دارد، مانند:

پایان‌نامه جواد دهقان‌یان (1386) ارائه شده در دانشگاه شیراز با عنوان «بررسی محتوا و ساختار طنز در نثر مشروطه»

پایان‌نامه طاهره نعمت‌الهی (1390) ارائه شده در دانشگاه یاسوج با عنوان «تحلیل و بررسی طنز در آثار ایرج پزشک‌زاد»

مقاله سارا زارع جیره‌نده و علی‌اکبر باقری خلیلی (1395) ارائه شده در نشریه کاوش‌نامه زبان و ادبیات فارسی با عنوان «شگردهای طنزپردازی رسول پرویزی در کتاب «شلوارهای وصله‌دار».

مقاله خدابخش اسداللهی و اعظم لطفی (1395) با عنوان «سبک‌شناسی طنز حافظ»، ارائه شده در دو فصلنامه علوم ادبی

مقاله محمود براتی خوانساری و زهرا حسینی سجزی (1394) با عنوان «مقایسه شگردهای طنزپردازی «ابوالقاسم پاینده» با «جلال آل احمد» ارائه شده در فصلنامه پژوهش زبان و ادبیات فارسی.

## 2) معرفی نویسنده

فریدون تنکابنی در سال 1316 در خانواده‌ای فرهنگی در تهران به دنیا آمد. پدرش دبیر و مدیر دبیرستان و مادرش آموزگار بود. خود او نیز پس از پایان تحصیل، دبیر زبان و ادبیات فارسی شد. در سال 1340 اولین داستان خود را به نام «مردی در قفس» منتشر کرد که لحنی رمانتیک دارد. او سپس با نشریات ادبی ایران به همکاری پرداخت و نوشته‌های او بیشتر به طنز گرایش پیدا کرد. فریدون تنکابنی با طنز سیاسی خود به ویژه از اواخر دهه 1340 تا پایان 1350

خوانندگان زیادی داشت. از میان هجده کتابی که او تا امروز منتشر کرده، به ویژه کتاب‌های «یادداشت‌های شهر شلوغ»، «ستاره‌های شب تیره» و «اندوه سترون بودن» شهرت بیشتری دارند. او هم‌اکنون در خارج از کشور به فعالیت مطبوعاتی مشغول است و نوشته‌های خود را در نشریات گوناگون یا به صورت کتاب منتشر می‌کند.

### 3) شگردهای طنزپردازی در مجموعه «شهر شلوغ و اندیشه‌ها»

#### 3-1) کوچک‌نمایی

کوچک‌نمایی یکی از عمده‌ترین تکنیک‌های طنزنویسی است. بدین معنی که «نویسنده، شخصی را که می‌خواهد مورد انتقاد قرار دهد، از تمام ظواهر فریبده عاری می‌سازد و او را از هر لحاظ کوچک می‌کند. این کار می‌تواند به صورت‌های مختلف صورت گیرد و یا می‌تواند از لحاظ جسمی یا از لحاظ معنوی و یا به شیوه‌های دیگر باشد» (جوادی، 1384: 17). هدف طنزپرداز در استفاده از این تکنیک تحقیر و سرزنش سوژه است.

در داستان «از پنجره بالا»، نویسنده از زبان شخصیت داستان با شلخته دانستن شخصیت‌ها و تشبیه ناله‌های برادر فریده به صدای خر به شیوه کوچک‌نمایی به وصف کوچکی و اهالی آن پرداخته است:

«دم پنجره دویدم. ته کوچکی پر بود از بچه‌های قد و نیم قد و دخترهای بزرگ‌تر نورسیده و مادرهاشان: خاله شلخته‌های همیشگی» (تنکابنی، 1348: 17).

«برادر فریده هم‌چنان عریض و بی‌تابی می‌کرد» (همان: 18).

تنکابنی در «اندیشه‌ها»، با کوچک‌نمایی دموکراسی‌های شرقی را وصف کرده و انتقاد کرده است: «خصوصیت بارز دموکراسی‌های شرقی این است که اجازه مخالفت می‌دهند، اما از اظهار مخالفت سخت می‌رنجند» (همان: 144).

در داستان‌های «حوض و قورباغه»، «داماد و راننده»، «فوزیه دو زار»، «در اتوبوس»، «بچه‌ها»، «ملل راقیه و ملل غیرراقیه»، «دشنام‌نامه»، «تیمسار و زنش»، «غار آبی»، «ویزیتور»، «شیشه تاکسی»، «مرسدس بنز آقای مفیدی» و «اندیشه‌ها» از شگرد کوچک‌نمایی برای طنزآفرینی استفاده شده است.

#### 3-2) بزرگ‌نمایی

این شیوه، یکی از رایج‌ترین و قدیمی‌ترین تکنیک‌هایی است که همواره مورد توجه و استفاده طنزپردازان بوده و به نوعی در اکثر آثار طنز به کار رفته است. نویسنده در این شیوه مسائل

بی‌ارزش را چنان با اغراق و مبالغه بیان می‌کند که برای خواننده تضادی شیرین و خنده‌آور ایجاد کرده و باعث آفرینش طنز می‌شود؛ به بیانی دیگر «وقتی طنزپرداز، کسی را احقرتر از آنچه هست می‌نماید، وقتی جرم و گناهی را بیشتر از واقعیت نشان می‌دهد، و آن‌گاه که رویداد کوچک را تا حد غیرقابل باوری بزرگ می‌کند؛ در حقیقت به مخاطب خود این واقعیت را گوشزد می‌کند. که عیوب و رذایلی که به طنز کشیده شده‌اند به قدر کافی بزرگ هستند اما چون برخی از دیدن واقعیت آن ناتوانند؛ طنزپرداز مجبور می‌شود آن‌ها را با ذره‌بین به صورت واقعی به مخاطب نشان دهد و حقیقت و ماهیت آن را بهتر بشناساند» (دهقانیان، 1386: 16).

در نمونه زیر از داستان «حوض و قورباغه»، تنکابنی با بزرگ‌نمایی درباره سیگار کشیدن یکی از کارمندان طنزآفرینی کرده‌است؛ بدین صورت که دو رفتار همیشگی برای کارمند در نظر گرفته- است که هر دو رفتار مربوط به سیگار کشیدن است:

«غیر از پسر دایی، دو کارمند دیگر هستند که یکی از آن‌ها لاغر و ریزه و عینکی است و دیگری ظاهری معمولی دارد، نه ریز و نه درشت. و همیشه یا در حال سیگار دود کردن است یا سرگرم آتش زدن سیگار» (تنکابنی، 1348: 22-23).

در نمونه زیر از داستان «مردسبز بنز آقای مفیدی» نیز، با بزرگ‌نمایی و اغراق وضعیت بد جامعه را به تصویر می‌کشد و آن را جایگاه مسکین‌ها، دیوانگان و ناتوانان می‌داند:

«و عاقل مردی که در صف ایستاده‌است به همسایه‌اش می‌گوید: می‌دانید آقا، باید دور و بر این ملک را دیوار کشید و چهارتا تابلو زد چهار گوشه‌اش. روی یکی نوشت: دارالمسکین، روی دیگری: دارالمجانین، و روی سومی: دارالعجزه، و روی چهارمی: دوستاق‌خانه» (همان: 135).

در داستان‌های «از پنجره‌ی بالا»، «داماد و راننده»، «فوزیه دو زار»، «در اتوبوس»، «بچه‌ها»، «ملل راقیه و ملل غیرراقیه»، «دشنام‌نامه»، «تیمسار و زنش»، «غار آبی»، «ویزیتور»، «شیشه تاکسی» و «اندیشه‌ها» از شگرد بزرگ‌نمایی برای طنزآفرینی استفاده شده‌است.

### 3-3) طنز موقعیت

در طنز موقعیت، نویسنده با استفاده از جابجایی شخصیت‌ها و قراردادن آن‌ها در شرایط و موقعیت نامناسب زمانی یا مکانی و تغییر جایگاه آن‌ها دست به خلق فضای طنزآمیز می‌زند. البته گاه در رمان‌های بلند موقعیت‌های طنزآمیز در یک صحنه ایجاد نمی‌شود، بلکه مجموعه‌ای از حوادث، داستان را به سوی موقعیت طنز پیش می‌برد. در طنز موقعیت نویسنده با عبارات و کلمات کاری ندارد؛ بلکه برای او آفرینش فضای طنزآمیز و ایجاد صحنه‌ای که تصویر و تجسم آن مضحک و خنده‌دار باشد، دارای اهمیت است.

در برخی از طنزها، نویسنده با استفاده از جابه‌جایی شخصیت‌ها و قرار دادن آن‌ها در شرایط و موقعیت نامتناس زمانی یا مکانی یا تغییر جایگاه آن‌ها، دست به خلق فضای طنزآمیز می‌زند. در این نوع طنز، ستیز، روبرویی و ناهمخوانی پیش آمده، ایجاد طنز می‌کند و این اتفاق، فارغ از عبارات و کلمات می‌افتد و این همان ادبیات دراماتیک و نمایش است. در داستان و خاطره، آفریدن طنزهای موقعیت، اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا می‌تواند تعلیق و کشش داستانی ایجاد کند و داستانی را پیش برد (قیصری و صرفی، 1388: 119).

تنکابنی از شگرد طنز موقعیت در طنزآفرینی استفاده کرده‌است و گاه از ترکیب دو شگرد برای خلق طنز استفاده می‌کند؛ مثلاً در نمونه زیر از داستان «از پنجره بالا» با ترکیب دو شگرد کوچک‌نمایی و طنز موقعیت طنزپردازی کرده‌است؛ بدین صورت که از یک طرف با تشبیه صدای هاجر خانم به صدای شیپور، او را کوچک و تحقیر کرده و از طرف دیگر، با ضربه غیرمنتظره‌ای که بر سر دخترش وارد می‌کند به طنزآفرینی پرداخته‌است:

«ناگهان هاجر خانم تر که هم سر رسید. صحنه ته کوچه یک قهرمان را کم داشت که حرف که می‌زند صدای شیپوری‌اش تا هفت خانه آن طرف‌تر شنیده می‌شود. نرسیده یکی از دخترهایش را پیدا کرد- همیشه یکی از دخترهای هاجر خانم را می‌شود توی کوچه پیدا کرد- و همین طور که می‌گذشت سرش داد کشید: "خاک تو سرت کنن. باز بیجن رو ول کردی" و دو بامبی تو سر دختره زد. اما صبر نکرد که غرغر او را بشنود و ته کوچه رفت» (تنکابنی، 1348: 19-20).

در داستان‌های «حوض و قورباغه»، «داماد و راننده»، «فوزیه دو زار»، «در اتوبوس»، «بچه‌ها»، «ملل راقیه و ملل غیرراقیه»، «دشنام‌نامه»، «تیمسار و زنش»، «غار آبی»، «ویزیتور»، «شیشه تاکسی» و «مرسدس بنز آقای مفیدی» از شگرد طنز موقعیت برای طنزآفرینی استفاده شده‌است.

### 3-4) تحلیل طنزآمیز

گاهی طنزپرداز برای پدیده‌ها و رویدادها، علت‌هایی عجیب و غریبی ذکر می‌کند که نه تنها صحیح نیست ندبلکه نادرستی آنها خنده‌دار و مسخره نیز به نظر می‌رسد. نویسنده بدین وسیله نه تنها آن کار یا پدیده را زشت کرده، زیر سؤال می‌برد، بلکه با ذکر علت‌های نادرست بیان می‌دارد که آن اقدام از اساس غلط است و هیچ نتیجه صحیحی در پی نخواهد داشت (حلی، 1365: 70). تنکابنی از این تکنیک بسیار استفاده کرده‌است. در نمونه زیر از داستان «حوض و قورباغه»، یکی از کارمندان، تعلیلی طنزآمیز برای نخوردن کره می‌آورد که طنزآفرین است:

«والله دیگه از نون و کره دل و روده‌مون به هم می‌خوره. گفتند کره سه خاصیت داره. ما سه روز کره خوردیم برای سه خاصیتش ... حالا آبگوشتی، کبابی ...» (تنکابنی، 1348: 142).

نویسنده در داستان «اندیشه‌ها» نیز با ارائه تعلیلی طنزآمیز و با تکیه بر تداخل زمان، دلیل آفرینش مگس را بیان می‌کند:

«ساعت شماطه‌دار مردم را از خواب بیدار نمی‌کرد ... و خدا مگس را آفرید» (همانجا).

در داستان‌های «داماد و راننده»، «فوزیه دو زار»، «در اتوبوس»، «بچه‌ها»، «ملل راقیه و ملل غیرراقیه»، «دشنام‌نامه»، «تیمسار و زنش»، «غار آبی»، «ویزیتور»، «مرسدس بنز آقای مفیدی» و «اندیشه‌ها» از این شگرد برای طنزآفرینی استفاده شده‌است.

### 3-5) غلط‌های املائی

تنکابنی با وارد کردن غلط‌های مشخص املائی در گفتار بعضی از شخصیت‌ها، به جهل و عدم آگاهی ایشان اشاره می‌کند. این ویژگی که در اکثر آثارش دیده می‌شود گاه نیز می‌تواند موجب ایجاد جناس‌ها و تبادرهایی طنزآمیز شود. در داستان «داماد و راننده» کلمه «عرز خواهی» سبب خلق طنز شده‌است.

«پرسیدم: شما مگه این خانومو می‌شناسین؟ گفت: نه. گفتم: پس چرا باش حرف می‌زنین؟ گفت: خوب داریم حرف می‌زنیم دیگه، مگه چی شده؟! ممدآقا صدایش کرد جلو، حالا هم که داره بهش می‌گه زنشه. عوض این که عرز خواهی کنه، بلندبلند می‌گه: نه بابا، رفیقشه، من دیگه نتونستم. رفتم جلو و خوابوندم تو گوشش. خلاصه اون‌جا مفصل بزبن بزبن کردیم، بچه‌ها سوامون کردن. بعد اومده سر چهار راه، دو سه تا جاهلا رو جمع کرده، برام خط و نشون کشیده ...» (همان: 31).

در داستان «ویزیتور» نیز تلفظ اشتباه کلمه «وام» حمام به‌جای وان حمام، باعث طنزپردازی شده‌است:

«در را باز نکرده، دستی رفت توی چشمم. دستی زمخت و ترک خورده. دستی حنا بسته. در انگشتان این دست، که استخوانی بود و پرچروک، دو قوطی بزرگ و کوچک دیده می‌شد. و در دست دیگر کیسه‌ای نایلونی. کیسه‌ای غبار گرفته و پاره. زن، چادری بود. پیر بود. دهاتی بود. خشن و نکره بود. جان می‌داد برای کلفتی و رخت‌شویی.

- آقا از این پودرها بخیرید. خیلی خوب است. برای ظرف و کاشی و **وام** حمام است. یکی هم مجانی می‌دهم» (همان: 112).

### 3-6) القاب طنزآمیز

انتخاب القاب طنزآمیز برای شخصیت‌های داستان، یکی دیگر از شگردهای طنزآفرینی است که نویسندگان طنزپرداز از آن استفاده می‌کنند. تنکابنی نیز از این شگرد برای طنزآفرینی بهره‌برده است. مثلاً در داستان «دشنام‌نامه»، لقبی که دوچرخه‌سوار به پیرزن می‌دهد؛ یعنی همشیره عزرائیل نیز طنزآفرین است:

«پیرزن جیغ کشید:

- چشای کورت نمی‌بینه؟ اگه تو این لامونده بودی که له می‌شدی. باز تند میری؟

دوچرخه‌ای گفت:

- تو چی میگی دیگه، همشیره عزرائیل!« (همان: 64).

### 3-7) تشبیه

این شیوه از طنزپردازی معمولاً با شیوه‌های دیگر به کار گرفته می‌شود. «در این حالت طنزپرداز مشبّه و مشبّه‌به را که شباهتی از آن نظر که طنزنویس مدّ نظر دارد؛ نمی‌تواند با هم داشته باشند، به هم تشبیه می‌کند و همین عدم تشابه که معمولاً به جهت انتقاد از مشبّه صورت می‌گیرد، زمینه طنز و خنده را فراهم می‌کند» (کرمی و همکاران، 1382: 169). تنکابنی در داستان «راننده تاکسی» با تشبیه قیافه راننده گمنام به شخصیتی ادبی و سرشناس، طنزآفرینی کرده است:

«راننده تاکسی با سعید نفیسی مو نمی‌زد، همان قیافه و همان ریش» (تنکابنی، 1348: 114).

هم‌چنین تشبیه حرف بیهوده به بیسکویت ماری آنتوانت از یک طرف همراه کوچک کردن و بی‌کیفیت نشان دادن این بیسکویت است و از طرف دیگر چون دو چیز که هم‌سنخ نیستند طرفین تشبیه قرار دارند طنزآفرین شده است:

«گفتم: آن وقت یک کارگر بدبخت هزار تومان ندارد عروسی راه بیندازد.

گفت: هزار تومان؟

فهمیدم حرف چرندی زده‌ام، کمی بهتر از بیسکویت ماری آنتوانت» (همان: 16).

تشبیه دانش‌آموزان و دانشجویان به کارگر و کاسب‌ها تشبیهی طنزآمیز و تلخ است:

«به شاگردانم گفتم: شباهت‌های زیادی می‌بینم بین کارگرها و کاسب‌های جوان با جوانان دانش‌آموز (و برخی دانشجویان). هر دو گروه از مغز خود کمترین و از زبان خود بیشترین استفاده را می‌کنند. انگار دستگاه‌هایی هستند برای تبدیل تصویر به صدا. آن‌چه به چشم‌شان می‌خورد از



دهان بیرون می‌ریزد. گفته‌هاشان یکسر محسوسات و مشهودات است. و معقولات در زندگی-شان کمترین سهم را دارد، و یا اصلاً سهمی ندارد.

جوانان کارگر و کاسب بی‌سواد یا کم‌سوادند، و دانش‌آموزان باسواد. اما این تفاوت عملاً کوچک-ترین تأثیری در زندگی آن‌ها ندارد و تفاوت و تمایزی پدید نمی‌آورد. کارگران کم‌سواد «اسرار مگو» می‌خوانند و دانش‌آموزان خواندنی‌هایی که دست کمی از اسرار مگو ندارد. در میان آن‌چه اهمیت دارد این است که کارگرها و کاسب‌های جوان گناه و مسئولیتی ندارند، حال آن که جوانان دانش‌آموز و دانشجو گناهکار و مسئولند» (همان: 175).

در داستان «از پنجرهٔ بالا»، «حوض و قورباغه» و «اندیشه‌ها»، «رانندهٔ تاکسی» و «ویزیتور» از این شیوه برای طنزآفرینی استفاده شده‌است.

### 3-8) تجاهل العارف

تجاهل‌العارف که یکی از تکنیک‌های بدیعی نیز هست، با نام‌هایی چون ماسک، ریای مصلحتی، تقیه، وانمود، تحامق یا کودن‌نمایی نیز نامیده می‌شود. این تکنیک به این معناست که «چون ما به حماقت رایج در یک طبقه صریحاً نمی‌توانیم انتقاد کنیم، خود را به نابخردی و حماقت می‌زنیم و وانمود می‌کنیم که نابخردی‌های طبقات ممتاز را تأیید می‌کنیم» (حلبی، 1365: 68). این شیوه راه حلی است برای قرار گرفتن در برابر قدرت‌های برتر و برای بیان مسائلی که با صراحت نمی‌توان آن را بیان کرد.

در نمونهٔ زیر از داستان تنکابنی نیز معلمی به دانش‌آموز دختر خود نمرهٔ قبولی نمی‌دهد و دختر به همکلاسی‌اش می‌گوید برای انتقام گرفتن از معلم می‌خواهد با او ازدواج کند در حالی که همکلاسی‌اش می‌داند دختر آرزوی ازدواج با معلمش دارد:

«یه آقامعلمی بود، دوتا شاگرد داشت: یکیش یه پسر نازناری. یکیش یه دختر مامانی. آخر سال که شد آقا معلمه بدجنسی کرد هر دوتاشونو رفوزه کرد. دختره زد زیر گریه و گفت: "باید یه کاری کرد".

پسره گفت: "من که کاری از دستم برنمیاد. جز این که چاقوش بزدم. یا اسید بیاشم تو صورتش. این کارام که فایده‌ای نداره".

دختره گفت: "به! من همچین پدرشو درآرم که تا آخر عمر یادش نره".

بنابراین، چون دختر سمج یک‌دنده‌ای بود و می‌خواست حرفش را به کرسی بنشاند، بعد از این حرف رفت و تندی زن آقا معلمه شد!» (همان: 148).

در داستان‌های «از پنجره بالا»، «حوض و قورباغه»، «داماد و راننده»، «فوزیه دو زار»، «در اتوبوس»، و «اندیشه‌ها» از این شگرد برای طنزآفرینی استفاده شده است.

### 3-9) طنز لغت‌نامه‌ای

در این شیوه، نویسنده ابتدا کلمه‌ای را عنوان کرده و سپس به گونه‌ای آن را معنی کرده و یا توضیح می‌دهد که خواننده ابتدا جا خورده و در ادامه با اندکی دقت به تضاد موجود پی می‌برد و منظور طنزپرداز را دریافته متوجه می‌شود که عمق مفاسد سیاسی و اجتماعی و ... آن قدر زیاد است که عبارات و مفاهیم مثبت نیز معنای حقیقی خود را از دست داده و همه چیز برعکس و درهم برهم شده است. این شیوه - که مورد توجه عبید زاکانی بوده است - هنوز هم در نظر طنزپردازان جایگاه ویژه دارد. فایده این شیوه طنزنویسی خلاصه و موجز بودن آن است. از نویسندگان طنزپرداز معاصر دهخدا این شیوه را مد نظر داشته و همواره با عبارات و تعاریف انتقادگونه طنزهای زیبا و کارسازی به وجود آورده است (نعمت‌اللهی، 1390: 35). تنکابنی با استفاده از طنز لغت‌نامه‌ای نیز طنزآفرینی کرده است، تعریف وی از معلم، ناشر و هنرمند در نمونه‌های زیر طنزآمیز است:

«معلم شخص پرگویی است که تلافی بی‌توجهی مردم را سر شاگردانش درمی‌آورد.

ناشر شکمی است که هیچ‌وقت سیر نمی‌شود. گاوصندوقی است که هرگز پر نمی‌گردد. چشم حریصی است که مدام دودو می‌زند تا در کدام گوشه سودی نهفته، بیاید و برآید. بی‌دانشی است که تجارت دانش می‌کند. از هنر بویی نبرده، اما هنر را در دست‌های زمخت خود می‌گیرد و سبک سنگین می‌کند و می‌سنجد. مبنای سنجش او، تنها سود خود اوست. مثل قصابی که بلبل خوش‌آوا یا طوطی خوش آب و رنگ را با انگشتان زمختش لمس کند که ببیند چقدر گوشت دارد.

ناشر، خسیس لئیمی است که طلا را می‌دزدد، و به مرغ طلایی لگد می‌زند. و خیلی که لطف کند، پشیزی ارزن می‌خرد و با هزار منت جلوش می‌پاشد.

هنرمند روح و جانش را می‌گذارد و ناشر سکه‌هایش را. و با هم شریک می‌شوند. اما همیشه سهم بیشتر از آن ناشر است. و سهم هنرمند را چنان می‌دهد که گویی صدقه‌ای است از راه ترجم. و چنان دماغش را بالا می‌گیرد که انگار دارد می‌گوید: حیف پول‌های عزیز من که خرج چرندیات تو شد!

این، تازه در حیطة مشروع بودن و قانونی بودن است. وگرنه ناشر از همه می‌دزدد. منعش نکنی از خودش هم می‌دزدد. برای ناشر، خوب و بد، سودمند و زیان‌آور، بی‌تفاوت است. او فقط خطوط سیاهی می‌بیند که کاغذ سفید را پر می‌کند و برای او اسکناس می‌آورد. ماشین چاپ، برای هر کس هر چه باشد، برای او ماشین اسکناس چاپ کنی است.

نابغه، موجود تنبل و سر به هوایی است که حوصله نمی‌کند دنبال چیزهایی بدود که همه مردم دنبالش هستند» (همان: 155).

در «اندیشه‌ها» از این شگرد زیاد استفاده شده‌است.

### 3-10 نقیضه

نقیضه یا پارودی عبارت از «نوعی نوشتار تقلیدی است که یک گفتمان شناخته شده را الگو و پایه کار خود قرار می‌دهد و عناصر آن گفتمان را از موقعیت و بافت اصلی‌اش به بافتی دیگر می‌کشد. نقیضه گاه متن شناخته شده‌ای را پیش الگو قرار می‌دهد و گاه ویژگی‌های عمومی یک نوع ادبی یا یک سبک را به بازی می‌گیرد» (چناری، 1377: 388).

تنکابنی نیز با وام گرفتن از جملات بزرگان طنزآفرینی کرده‌است در نمونه زیر با وام گرفتن از سخن معروف هملت وضعیت بد وسایل نقلیه عمومی را به باد انتقاد گرفته‌است:

«هملت‌های وطنی در صف اتوبوس با خود می‌گویند: ایستادن یا نشستن؟ مسأله این است» (تنکابنی، 1348: 157).

در نمونه زیر نیز نویسنده با وام گرفتن از سخن معروف «من می‌اندیشم پس هستم» آن به شکلی طنزآمیز از وضعیت بد اقتصادی انتقاد کرده‌است:

«من پیکان دارم، پس من هستم» (همان: 203).

در «اندیشه‌ها» و «ملل راقبه و ملل غیرراقبه» از این شگرد برای طنزپردازی استفاده شده‌است.

### 3-11 سادگی و عدم‌آگاهی

بی‌اطلاعی، جهل و سادگی افراد گاهی ایجاد طنز می‌کند. هنگامی که به تماشای فیلمی نشستیم یا مشغول خواندن داستانی هستیم، با گره‌هایی در داستان مواجه می‌شویم که همه راه حل آن را می‌دانند، الا بازیگران آن فیلم یا داستان. برخورد ساده‌لوحانه بازیگران فیلم یا قهرمانان داستان با آن مشکل خنده‌دار، طنزآمیز است (حلبی، 1365: 69). تنکابنی نیز از این

شگرد برای طنزپردازی استفاده می‌کند؛ مثلاً در نمونه زیر با عدم آگاهی راننده اتوبوس طنزآفرینی شده‌است و از این طریق سختی و دشواری کار معلم به تصویر کشیده شده‌است: «یکی از معلم‌ها تعریف می‌کرد که: روزی از کلاس که درآمد دیگر دست‌هایم را که گچی بود نشستم. و از مدرسه بیرون رفتم. توی اتوبوس، راننده گفت: اوستاجون، ما یک اطاق سه در چهار داریم، گل‌کاریش تموم شده، می‌خوایم گچ‌کاری کنیم. به نظر شما چقدر گچ لازم داره؟!» (تنکابنی، 1348: 165).

در داستان‌های «فوزیه دو زار»، «در اتوبوس»، «بچه‌ها»، «ملل راقیه و ملل غیرراقیه»، «تیمسار و زنش»، «غار آبی»، «ویزیتور»، «مرسدس بنز آقای مفیدی» و «اندیشه‌ها» از شگرد سادگی و عدم آگاهی برای طنزآفرینی استفاده شده‌است.

### 3- 12) تضاد طنزآمیز

نویسندگان طنزپرداز از تضاد برای طنزآفرینی سود می‌برند؛ تنکابنی نیز از این شگرد استفاده کرده‌است؛ مثلاً در نمونه زیر تضاد بین نویسنده‌ها و لغویون و اصحاب صرف و نحو به انتقادی طنزآمیز منجر شده‌است:

«نویسنده‌ها شلخته و سهل‌انگار نیستند. آن‌ها می‌گویند: درست بنویس تا مردم مقصودت را بهتر بفهمند.» آن‌ها می‌گویند: چکش دست بگیر تا بهتر و آسان‌تر بتوانی میخ را بکوبی. گرچه با یک تکه سنگ یا آجر یا با یک لنگه کفش هم می‌توانی میخ بکوبی.

فضلاً، لغویون و اصحاب صرف و نحو می‌گویند: چکش بساز، همه عمرت چکش بساز. می‌پرسی: برای چه؟ من این چکش‌ها را به چه کاری خواهیم زد؟ پاسخ می‌دهند: «چکش بساز، فقط برای آن که چکش ساخته باشی» (همان: 187).

در داستان‌های «از پنجره‌ی بالا»، «بچه‌ها»، «ملل راقیه و ملل غیرراقیه»، «تیمسار و زنش»، «غار آبی»، «ویزیتور»، «مرسدس بنز آقای مفیدی» و «اندیشه‌ها» از شگرد تضاد طنزآمیز برای طنزآفرینی استفاده شده‌است.

### نتیجه‌گیری

پس از بررسی شگردهای طنزآفرینی در مجموعه داستانی «یادداشت‌های شهر شلوغ و اندیشه‌ها» به این نتیجه رسیدیم که بیشترین تعداد هر یک از تکنیک‌های طنز، در داستان‌های زیر به کار رفته است:

- در داستان‌های «از پنجره‌ی بالا»، «حوض و قورباغه»، «داماد و راننده»، «فوزیه دو زار»، «در اتوبوس»، «بچه‌ها»، «ملل راقیه و ملل غیرراقیه»، «دشنام‌نامه»، «تیمسار و زنش»، «غار آبی»، «ویزیتور»، «شیشه‌ی تاکسی»، «مرسدس بنز آقای مفیدی» و «اندیشه‌ها» از شگرد کوچک‌نمایی برای طنزآفرینی استفاده شده‌است.

- در داستان‌های «مرسدس بنز آقای مفیدی»، «حوض و قورباغه»، «از پنجره‌ی بالا»، «داماد و راننده»، «فوزیه دو زار»، «در اتوبوس»، «بچه‌ها»، «ملل راقیه و ملل غیرراقیه»، «دشنام‌نامه»، «تیمسار و زنش»، «غار آبی»، «ویزیتور»، «شیشه‌ی تاکسی» و «اندیشه‌ها» روش بزرگ‌نمایی برای طنزآفرینی به کار رفته‌است.

- در داستان‌های «از پنجره‌ی بالا»، «حوض و قورباغه»، «داماد و راننده»، «فوزیه دو زار»، «در اتوبوس»، «بچه‌ها»، «ملل راقیه و ملل غیرراقیه»، «دشنام‌نامه»، «تیمسار و زنش»، «غار آبی»، «ویزیتور»، «شیشه‌ی تاکسی» و «مرسدس بنز آقای مفیدی» با شگرد طنز موقعیت طنزآفرینی شده‌است.

- در داستان‌های «حوض و قورباغه»، «داماد و راننده»، «فوزیه دو زار»، «در اتوبوس»، «بچه‌ها»، «ملل راقیه و ملل غیرراقیه»، «دشنام‌نامه»، «تیمسار و زنش»، «غار آبی»، «ویزیتور»، «مرسدس بنز آقای مفیدی» و «اندیشه‌ها» از شگرد تعلیل طنزآمیز برای طنزآفرینی استفاده شده‌است.

- نویسنده از غلط‌های مشخص املائی در داستان‌های «ویزیتور» و «داماد و راننده» طنزآفرینی کرده‌است.

- نویسنده در داستان «دشنام‌نامه» با انتخاب القاب طنزآمیز به طنز پراخته‌است.

- در داستان‌های «راننده‌ی تاکسی»، «از پنجره‌ی بالا»، «حوض و قورباغه» و «اندیشه‌ها»، «راننده‌ی تاکسی» و «ویزیتور» از شیوه تشبیه برای طنزآفرینی استفاده شده‌است.

- در داستان‌های «از پنجره‌ی بالا»، «حوض و قورباغه»، «داماد و راننده»، «فوزیه دو زار»، «در اتوبوس»، و «اندیشه‌ها» از شگرد تجاهل‌العارف برای طنزآفرینی استفاده شده‌است.

- در «اندیشه‌ها» از شگرد لغت‌نامه‌ای، بیش از بقیه شگردها استفاده شده‌است.

- در «اندیشه‌ها» و «ملل راقبه و ملل غیرراقبه» از شگرد نقیضه برای طنزپردازی استفاده شده است.

- در داستان‌های «فوزیه دو زار»، «در اتوبوس»، «بچه‌ها»، «ملل راقیه و ملل غیرراقیه»، «تیمسار و زنش»، «غار آبی»، «ویزیتور»، «مرسدس بنز آقای مفیدی» و «اندیشه‌ها» از شگرد سادگی و عدم‌آگاهی برای طنزآفرینی استفاده شده است.

- در داستان‌های «از پنجره بالا»، «بچه‌ها»، «ملل راقیه و ملل غیرراقیه»، «تیمسار و زنش»، «غار آبی»، «ویزیتور»، «مرسدس بنز آقای مفیدی» و «اندیشه‌ها» از شگرد تضاد طنزآمیز برای طنزآفرینی استفاده شده است.

## منابع

- اصلائی، محمدرضا (1385). فرهنگ واژگان و اصطلاحات طنز. چاپ اول. تهران: کاروان.
- تنکابنی، فریدون (1348). یادداشت‌های شهر شلوغ و اندیشه‌ها. تهران: امیرکبیر.
- جوادی، حسن (1384). تاریخ طنز در ادبیات فارسی. تهران: کاروان.
- چناری، عبدالامیر (1377). متناقض‌نمایی در شعر فارسی. تهران: نشر فرزانه.
- حلی، علی‌اصغر (1369). مقدمه‌ای بر طنز و شوخ‌طبعی در ایران. تهران: پیک ترجمه و نشر.
- دهقانیان، جواد (1386). بررسی محتوا و ساختار طنز در نثر مشروطه. پایان‌نامه دکترای تخصصی، دانشگاه شیراز.
- کریمی، محمدحسین؛ زهرا ریاحی زمین؛ جواد دهقانیان (1382). «پژوهشی در تئوری و کارکرد طنز مشروطه». متن‌شناسی ادب فارسی. ش 1. ص 1-16.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (1366). ادوار شعر فارسی، چاپ سوم. تهران: توس.
- صابری، کیومرث (1370). گزیده‌دو کلمه حرف حساب. تهران: مروارید.
- قیصری، عبدالرضا و محمدرضا صرفی (1388). «طنز در کتاب جنگ دوست‌داشتنی». ادبیات پایداری، ش 1. ص 113-126.
- کاسب، عزیزالله (1376). زمینه‌های هجا در شعر فارسی. چاپ دوم. تهران: مروارید.
- نعمت‌الهی، طاهره (1390). پایان‌نامه تحلیل و بررسی طنز در آثار ایرج پزشک‌زاد. به راهنمایی اظهر تجلی. دانشگاه یاسوج.